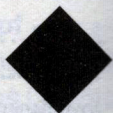
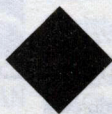


# چگونه پیر شویم

آن کارف

مهرزاز شیرازی عدل



۱۱	.....	مقدمه
۲۵	.....	پیری چیست؟
۴۱	.....	ترس از پیری
۶۷	.....	پذیرش پیری
۹۳	.....	پیری در ادوار مختلف تاریخ
۱۲۳	.....	سن و جنسیت
۱۴۳	.....	فصلی بسیار کوتاه درباره مرگ
۱۵۱	.....	چرخه زندگی
۱۶۹	.....	نتیجه گیری
۱۷۵	.....	تمرین
۱۸۱	.....	فهرست نامها

## مقدمه

امروز، آن طور که فولیکول‌های موی جینا به یادش می‌آورند، تولد سی‌سالگی اوست و او دومین تار موی سفیدش را هم پیدا می‌کند. روی میز کارش دو کارت تبریک تولد به چشم می‌خورد؛ روی اولی نوشته: «لازم نیست خودت را عذاب بدهی که داری سی‌ساله می‌شوی... زندگی خودش این کار را برایت می‌کند!» روی دومی کلمه‌ای نوشته نشده؛ فقط کپی‌ای است از تابلوی جیغ، اثر ادوارد مونک، به همراه تصویری از عدد سی که روی آن نقش بسته است.

جک، دوست جینا، هم خیالش آسوده‌تر از او نیست. ماه پیش در تولد چهل‌سالگی‌اش روی کارت تبریکی که از بهترین دوستش گرفته بود این جملات را خواند: «چهل‌ساله شدی؟ خوب، هنوز آن قدر جوان هستی که کمی زندگی کنی... اما بجنب!» در حالی که برادرش این پیام را به او داد: «تولدت مبارک... خوش باشی! به وقتش یاد می‌گیری قدر چهل‌ساله بودن را بدانی... مثلاً ده سال دیگر، وقتی داری پنجاه‌ساله می‌شوی!»

جینا و جک به دوستان یا خانواده‌شان نگفتند این کارت‌ها چه قدر مایه ناراحتی‌شان